

کودکان

== کتاب مقدس ==



مجموعہ "کودکانِ کتابِ مقدس"

درس دوم : داستان داوود

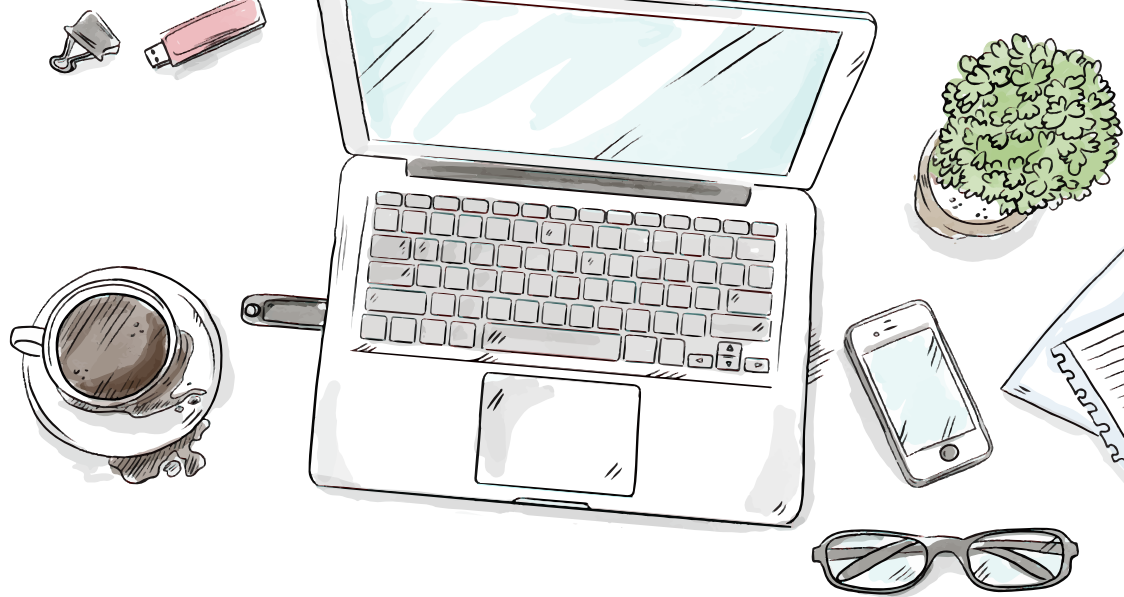
گروہ سنہ: ۴-۸ سال

هدف: گرچہ کوچیکم اما خدا منو مے بینہ
و برایش خیلے مهم هستم.

آیات کلیدی: اول سموئیل ۱۷: ۵۰-۱۲



سازمان ایلام ، کلیہ حقوق محفوظ مے باشد ۲۰۲۱ ©



سخنے با مربے:

خود کم‌بینی و احساس حقارت می‌تواند در همه افراد وجود داشته باشد. این حس زمانی در وجود فرد نمایان می‌شود که او خود را با دیگری مقایسه می‌کند و در خود احساس ضعف و خود کم‌بینی می‌کند.

کودکان تا قبل از سن ۳ سالگی به دلیل اینکه خود را بخشی از وجود مادر می‌دانند، احساس حقارت یا خود کم‌بینی را درک نمی‌کنند. اما پس از ۳ سالگی زمانی که کودک را از شیر می‌گیرند، به دلیل این جدایی از مادر، کودک می‌تواند دچار احساس ناامنی شود. با این وجود در سن ۳ سالگی درک کودک از احساس حقارت به دلیل رشد کم او شدید نیست. اما با افزایش سن، این حس تشدید می‌شود. حس خود کم‌بینی به تنهایی مضر نیست بلکه در خیلی از موارد می‌تواند به کودک کمک کند تا با یک رقابت سالم پیشرفت کند. اما در صورتی که کودک در یک جامعه و محیط ناسالمی قرار بگیرد این حس می‌تواند تبدیل به عقده شود و در این صورت است که اگر به آن توجهی نگردد می‌تواند در دوره نوجوانی و بلوغ به اوج خود رسیده و به یک ناهنجاری تبدیل شود.

عواملی که باعث ایجاد حس حقارت و خود کم‌بینی در کودک می‌شود می‌توانند به قرار زیر باشند:

- ضعف جسمی کودک نسبت به بچه‌های دیگر
- محروم بودن از امکانات رفاهی
- عدم دریافت توجه از خانواده به دلیل مشغولیت‌های زندگی
- داشتن خانواده بزرگ

هدف اصلی از این جلسه این است که کودک بیاموزد که خدا همواره با اوست، به او در هر جا توجه می‌کند و نیازهای احساسی، روحی و مادی او را می‌داند. با درک این موضوع کودک می‌تواند بر احساس حقارت و خود کم‌بینی غلبه کند.

در این کمک آموزشی به طور مخصوص به زندگی داوود اشاره شده است. او نیز کودکی است که در یک خانواده بزرگ و شلوغ رشد کرده و این احتمال وجود دارد که او نیز از توجه کافی توسط اعضای خانواده خود محروم است و با مقایسه خود با دیگر برادران و خواهران بزرگتر احساس خود کم‌بینی را تجربه کرده باشد.

کودک با یادگیری داستان داوود می‌آموزد که خدا به سن نگاه نمی‌کند بلکه همه ما برای خدا مهم هستیم. او حتی به کوچکترین هم توجه می‌کند. کودک با درک این موضوع در شناخت هویت خود رشد می‌کند.



آمادگی برای ورود به داستان:

ایده اول:

عروسک داوود

زمان: ۵ تا ۷ دقیقه

هدف: خردسال با این کار عملی، خود از همان ابتدا وارد داستان می‌شود و با شخصیت داوود ارتباط برقرار می‌کند.

اگر جلسات شما مجازی برگزار می‌شود، لطفاً از قبل فایل الگوها را برای والدین ارسال کنید و از آن‌ها بخواهید تصاویر را پرینت بگیرند و وسایل مورد نیاز را برای خردسال خود در این جلسه آماده کنند.

وسایل مورد نیاز: الگوی عروسک داوود، چسب مایع، قیچی، رول دستمال توال. الگوی داده شده را برش داده و بر روی رول دستمال توال چسبانید. دست‌ها و وسایل دیگر را بر طبق سلیقه خود به آن اضافه کنید. (الگوها در انتهای درس قرار دارند)

ایده دوم:

بازی شغل‌ها

زمان: ۵ تا ۷ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق دیدن تصاویر، با انواع شغل‌ها و ابزار مورد نیاز آن شغل آشنا می‌شوند. توضیحات:

از قبل تصاویر انواع شغل‌ها و نمونه‌ای از ابزار یا چیزهایی که مربوط به آن شغل است را جداگانه پرینت بگیرید. مانند: تصویر یک پادشاه و تصویر یک تخت پادشاهی، تصویر یک نجار و تصویر یک چوب و اره، تصویر یک چوپان و تصویر گوسفندان، تصویر یک رفتگر و تصویر یک جارو، تصویر یک ماهیگیر و تصویر یک قلاب ماهیگیری و... این تصاویر را در جاهای مختلف کلاس پخش کنید و بچه‌ها را گروه‌بندی کنید. هر گروه باید برود و در مدت زمان سه دقیقه تصویر اشخاص و چیزهایی که به آن شغل مربوط است را پیدا کند. (برای حفظ هیجان در بین بچه‌ها زمان این بازی را حفظ کنید)

(این بازی را هم به صورت حضوری و هم به صورت مجازی می‌توانید انجام دهید و فقط تصاویر را به بچه‌ها نشان دهید و از آن‌ها بخواهید حدس بزنند ابزار و چیزهای مربوط به هر شغل کدام است، اما ترجیح بر آن است که برای ایجاد هیجان در بچه‌ها و انجام یک کار گروهی، این بازی را به صورت حضوری در کلاس انجام دهید)

بعد از اتمام زمان از گروه‌ها بخواهید تصاویری که پیدا کرده‌اند را آورده و به یکدیگر نشان دهند. از بچه‌ها سوال کنید آیا اره و چوب می‌تواند مربوط به یک پزشک باشد؟ آیا یک رفتگر می‌تواند با ابزارآلات ماهیگیری کار خود را انجام دهد؟ آیا یک چوپان می‌تواند پادشاه شود؟ بعد از اینکه بچه‌ها جواب دادند به آن‌ها توضیح دهید در کتاب مقدس داستان یک پسر بچه است که در صحرا گوسفندان را چوپانی می‌کرد ولی یک روز اتفاق عجیبی برای آن چوپان افتاد. آیا کسی می‌داند او چه کسی بود و چه اتفاقی برای او افتاد؟ اجازه دهید بچه‌ها حدس بزنند. اگر بچه‌ها توانستند حدس بزنند آن شخص داوود است، از آن‌ها بخواهید داستان داوود را تعریف کنند و به ایده دوم "وارد شدن به دنیای کتاب مقدس" مراجعه کنید.

وارد شدن به دنیای کتاب مقدس:

ایده اول:

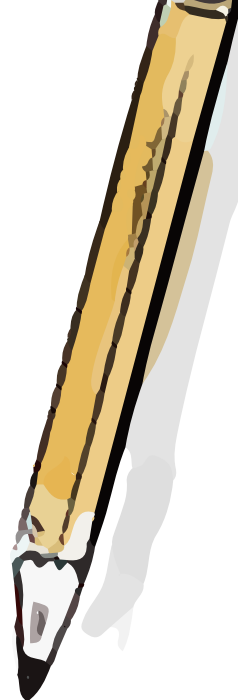
داستان داوود پادشاه

زمان: ۱۲ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق شنیدن و دیدن، داستان داوود را می‌آموزند. توضیحات:

با استفاده از ویدیو "مگول"، داستان انتخاب داوود پادشاه را برای بچه‌ها پخش کنید.

داستان انتخاب داوود پادشاه



ایده دوم:

داستان داوود همراه با ماکت

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق دیدن و شنیدن داستان داوود، خود قسمتی از این داستان می‌شوند و آن را می‌آموزند.

توضیحات:

ممکن است در کانون شادی شما خردسالانی باشند که داستان داوود را از قبل شنیده باشند، برای اینکه از تکرار جلوگیری شود شما می‌توانید با خلاقیت خود و با کمک خود بچه‌ها داستان داوود را به تصویر بکشید.

از قبل یک ماکت کوچک با استفاده از یک جعبه کفش درست کنید.

عروسک داوود را به همراه پدرش یسا، سموئیل، برادرانش، گوسفندان و ... را درست کنید و آن‌ها را در جعبه کفشی که از قبل آماده کرده‌اید قرار دهید.

ماکت را به کلاس بیاورید و به بچه‌ها فضای زندگی داوود و خانواده‌اش را نشان دهید. در طی داستان اشیای مختلف مانند گوسفندان، درختان ... را به ماکت اضافه کنید و اگر از بچه‌ها کسی این داستان را به یاد دارد، اجازه دهید داستان داوود را به صورت خلاصه برای بچه‌ها تعریف کند و شما همراه با او و عروسک‌ها داستان را تکمیل کنید.

می‌توانید فایل الگوی شخصیت‌ها را دانلود کرده، پرینت بگیرید و در این ماکت از آن‌ها استفاده کنید (لطفاً تصویر ماکت را به بچه‌ها نشان ندهید تا با هیجان و کنجکاوی بیشتر شخصیت‌ها ساخته شوند)

خلاصه داستان داوود:

داوود در یک خانواده پر جمعیت زندگی می‌کرد که بجز خودش ۷ برادر دیگر داشت. شغل و کار داوود چوپانی و نگه‌داری از گوسفندان بود.

از طرفی دیگر سموئیل که مرد خدا بود و رابطه خاصی با خدا داشت، از طرف خدا مأموریت داشت تا پادشاه جدیدی برای قوم اسرائیل انتخاب کند.

سموئیل نمی‌دانست این پادشاه کیست فقط خدا به او گفته بود که یکی از پسران یسا این پادشاه خواهد بود.

زمانی که سموئیل برای انتخاب پادشاه به شهر داوود آمد، داوود در حال چوپانی از گوسفندان بود. یسا و پسرانش بجز داوود، به دیدن سموئیل رفتند و سموئیل با مشورت از خدا می‌خواست یکی از آن‌ها را انتخاب کند.

خدا همه پسران یسا را رد کرد و سموئیل از یسا پرسید آیا پسر دیگری دارد؟

یسایا به او گفت پسر کوچک او در حال چوپانی است.

یک نفر را به دنبال آن پسر کوچک فرستادند و داوود به نزد سموئیل آمد.

خدا به سموئیل گفت که داوود کسی است که خدا انتخابش کرده تا پادشاه قوم اسرائیل باشد.

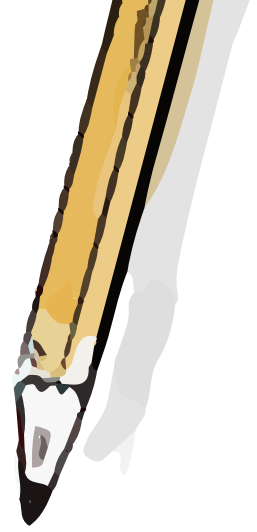
سموئیل به داوود گفت که خدا او را برای پادشاهی قوم انتخاب کرده و او برای خدا بسیار مهم است. داوودی که در تنهایی خودش در بیابان با گوسفندان به سر می‌برد، حالا انتخاب شده تا پادشاه باشد.

این انتخاب برای داوود خیلی ارزشمند بود زیرا فکر می‌کرد برای هیچ‌کس مهم نیست و کسی به او اهمیتی نمی‌دهد، ولی متوجه شد او برای خدا مهم است و خدا او را در هر جایی که باشد می‌بیند.

بعد از اینکه داستان به پایان رسید از بچه‌ها بخواهید در طی هفته آینده با استفاده از یک جعبه کفش و داوود که در ابتدای جلسه درست کردند، آن‌ها نیز ماکت خود را تکمیل کنند.

نتیجه‌گیری:

به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که داوود کوچکترین عضو در خانواده خود بود و فکر می‌کرد برای کسی در خانواده مهم نیست، اما متوجه شد او برای خدا مهم است، خدا او را می‌بیند و او برای آینده داوود نقشه‌های عالی دارد. خدا امروز همه ما را نیز می‌بیند و تک‌تک برای او مهم هستیم. برای خدا سن ما مهم نیست، امروز اگر ما سن کمی داریم و یا شاید در خانواده خود کوچکترین عضو



هستیم باز هم خدا ما را می‌بیند و به ما اهمیت می‌دهد. حتی در زمان‌هایی که فکر می‌کنیم تنها هستیم و کسی کنار ما نیست، خدا کنار ماست و ما برای او بسیار مهم هستیم.

کارگاه اجرایی:

بچه‌ها را تشویق کنید از خدایی که پدر آنهاست و همیشه برای او مهم هستند، تشکر کنند. از هر کدام از بچه‌ها بخواهید اسم‌های خود را و شغلی که دوست دارند را در اول این جمله بگذارند و تک‌تک آن‌ها این جمله را اعلام کنند:

من... (اسم کودک) کوچیکم و... (شغلی که انتخاب کرده است)، اما برای خدا مهمم!
مثال: من رکسانا، کوچیکم و دکترم، اما برای خدا مهمم!

من امیرعلی کوچیکم و خلبانم، اما برای خدا مهمم!
در انتها سرود زیر را برای بچه‌ها پخش کنید و جلسه خود را به اتمام برسانید.

سرود پرستشی: عشق عظیمه





